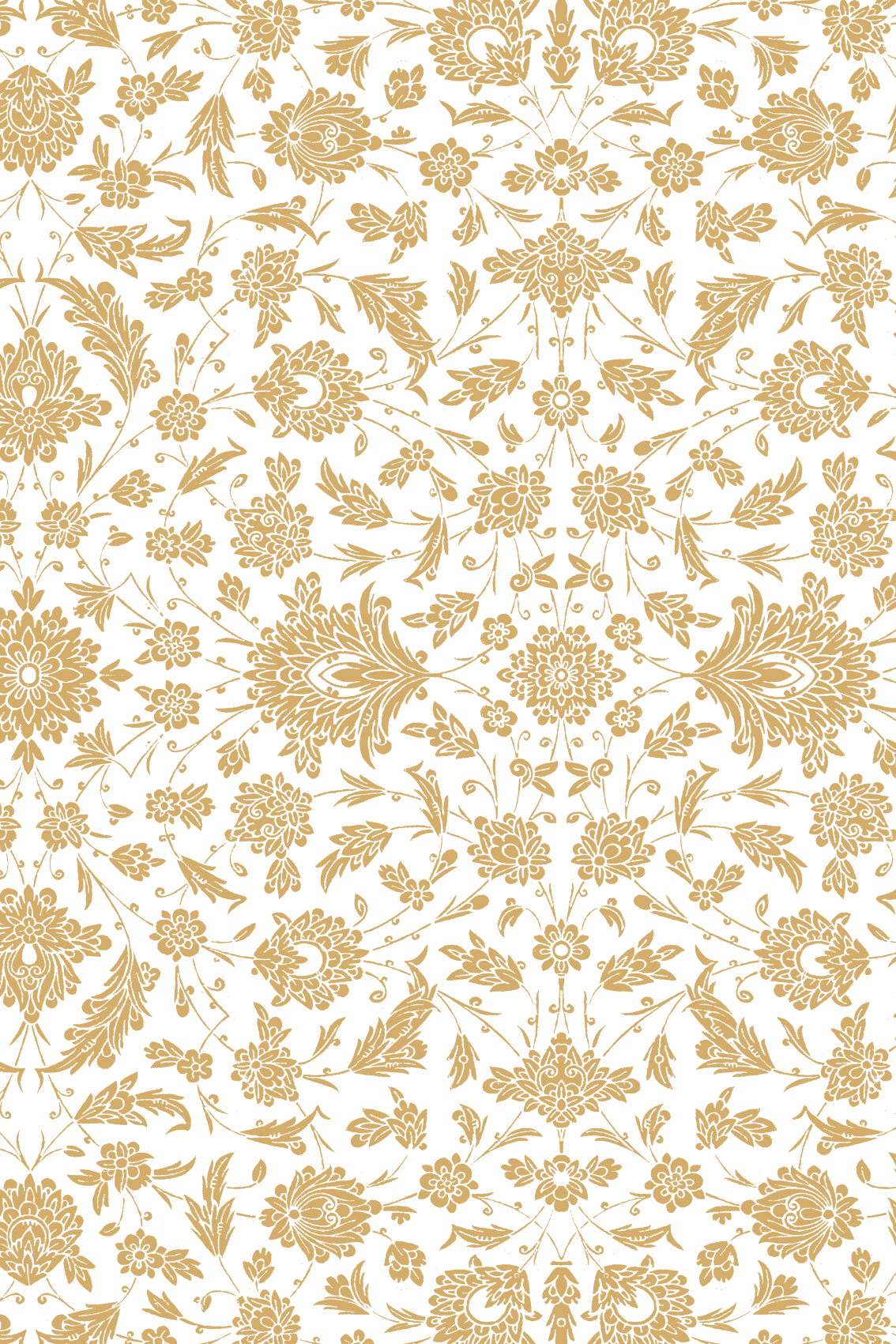


به نام خدا





سرشناسه : حسنوند، مهرداد، ۱۳۴۷-
Hasanvand, Mehrdad
عنوان و نام پدیدآور : روز واقعه: نمایشنامه/ مهرداد حسنوند.
مشخصات نشر : قم : ارمغان طوبی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۲۶ص، ۵/۱۴×۲۷/۵ س.م.
شابک : 978-622-6976-74-9
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : چاپ قبلی: سخنوران، ۱۴۰۱.
موضوع : نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
Persian drama -- 20th century
رده بندی کنگره : PIR۸۳۴۱
رده بندی دیویی : ۸۱۶۲/۶۳
شماره کتابشناسی ملی : ۹۷۷۹۹۹۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



روز واقعه نمایشنامه

مهرداد حسنوند

ناشر: ارمغان طوبی

قطع: ۳۶ صفحه رقعی

چاپ اول: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰ جلد

شابک: ۹-۷۴-۶۹۷۶-۶۲۲-۹۷۸

چاپ مبین

© کلیه حقوق محفوظ و مربوط به مولف می باشد.

این کتاب
تقدیم می شود به:

محضر رهبر فرزانه انقلاب و خارچشم دشمنان خارجی
و داخلی و مایه فخر جهان اسلام
حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)
یگانه رهبر شجاع و فاضل و زمان شناس
و همچنین رهروان راستین ایشان شهدای و الامقام دیارمان
برادران شهید عزیزمان عبدالرحمن و عبدالوهاب فتح الهی
که اسوه شجاعت و پاکی و اخلاص بودند.

مقدمه

هنر نمایش و تعزیه یکی از برنده‌ترین تیغ‌های اسلام بوده و همواره ابزاری هنری برای القای مفاهیم ناب اسلامی در قالب زیبایی بیان و حرکت همراه با احساس به هر بیننده‌ای خواهد بود. امید که ما هنرمندان عرصه نمایش از این ابزار برنده برای شناساندن اسلام ناب دریغ ننماییم. انشالله

شاید امروزه کسی را نتوان یافت که به نوعی در عمرش از هنر تأثیر نپذیرفته باشد؛ اما به حتم، گروه بسیار زیادی از مردم نه تنها همواره تحت تأثیر هنر قرار گرفته‌اند و هنوز تحت چنین تأثیراتی هستند که اصولاً کلی‌ترین تحولات فکری و اخلاقی را گذشته از ایدئولوژی‌ها در رابطه با هنر یافته‌اند. یک آمار تقریبی از زندانی‌های رژیم شاه خائن نشان می‌دهد که اکثر مارکسیست‌ها علل گرایش فکریشان به مارکسیسم، نه مطالبات فلسفی و ایدئولوژیک، که مطالعه آثار هنری -

مارکسیستی بوده است. در ایران خودمان، رمان «مادر» گورکی را تقریباً همه مارکسیست‌ها خوانده‌اند؛ درحالی‌که «اصول فلسفه» و دیگر کتاب‌های فلسفی - ماتریالیستی را عده قلیلی از آن‌ها خوانده‌اند. غرب و شرق استعمارگر برای تحکیم مواضع سیاسی خود و برای گسترش مواضع فرهنگی خویش در ذهن و دل مردم استعمار زده به‌وفور از این حربه استفاده می‌کنند. درعین حال، نهضت‌های حق و انقلابی چون نهضت انقلاب اسلامی افغانستان و نهضت فلسطین نیز برای پیشبرد اهداف خود و نابودی جهانخواران از همین سلاح استفاده می‌نمایند. با این همه هنر، این حربه مؤثر که مورد استفاده هرکسی است، هنوز تعریف نشده باقی مانده است؛ و تمامی تلاش‌های تاریخی برای یک تعریف مشترک از هنر به ناکامی انجامیده است.

ما امروزه خواه ناخواه مجبور از بکارگیری هنر هستیم اگر ما از این سلاح مؤثر، در جهت اهداف حقه خویش استفاده نکنیم، دیگران آن را بر علیه ما بکار خواهند گرفت و مگر نگرفته‌اند؟ مردم ما و بخصوص مسئولین امور ما، قبل از آنکه تعاریف، دیگران را از هنر و هنر اسلامی به خوردمان دهند، ضرورت دارد آن را بشناسند و از همه مهم‌تر آن را بکار گیرند؛ و یا لاقلاً دم بدم مانعی بر سر راه کسانی که وظیفه این مهم را در جهتی اسلامی بدوش می‌کشند؛ نگذارند. در عین حال ضرورت دارد که هنرمندان نیز هنر را بشناسند و هر چیزی را

بجای هنر بکار نبرند و یا هنر را بنحوی بکار نگیرند که نتیجه معکوس داشته باشد. بحمد الله رفته رفته هنر جایگاه راستین خویش را در جمهوری اسلامی می‌یابد. اما متأسفانه بخاطر اختلاط‌های فکری، انحرافات و کج‌فهمی‌ها، گاه هنری مطرح می‌شود که یا هنر نیست و یا هنری غیراسلامی است. حتی بصرف داشتن استعداد و آگاهی‌های لازم در یک رشته هنری ما به تولید هنر اسلامی دست نخواهیم یافت؛ عمده آن است که هنرمند مسلمان در کی صحیح از کلیت، سیر و ویژگی‌های هنر اسلامی داشته باشد.

در مورد هنر اسلامی کم و بیش مطالب منتشر شده است؛ اما این مطالب خود با اشکالاتی اساسی مواجه بوده‌اند:

۱- بیشتر مطالب منتشره، نتیجه تحقیقات مستشرقینی بوده است که، درک صحیحی از اسلام نداشته‌اند.

۲- غیر از مستشرقین، محققین غیر هنر نما، نیز بدون استعداد هنری لازم برای چنین تحقیقی به ابهام کار افزوده‌اند. اما این دو شکل تا حدودی قابل تحمل است. آن چه را که نمی‌توان تحمل نمود و انگیزه چنین نوشته‌ای نیز اصولاً همان است، این است که مسلمانان به اصطلاح هنرمند و یا محققین مسلمان، امروزه صفحات مطبوعات را از مقالات و مصاحبه‌ها؛ و برنامه‌های رادیو و تلویزیون را از سخنرانی و مصاحبه درباره‌ی چیزی پر می‌کنند که اطلاع دقیقی از آن ندارند. این اشخاص

تحت عنوان هنر اسلامی، تعاریف و مختصات برای آن قائل می‌شوند که نه تنها از یک دیدگاه اسلامی برنیامده، بلکه در تاریخ هنر نیز سال‌هاست که از نقد اصولی چنین نظریه‌هایی می‌گذرد. جای تأسف است که برادر مسئول با هنرمند و محقق مسلمان، بفرض هنر اسلامی را مبتنی بر نظریه زیبایی بیان می‌کند و می‌پندارد که هنر اسلامی، هنری است با همان تعریف تنها با سوژه و موضوعی اسلامی.

تأسف بیشتر آنکه بنا به مثل «بیابان و لنگه کفش کهنه» آنچه را این عزیزان، نسنجیده از دیگران به وام می‌گیرند و مطرح می‌کنند، دیگر عزیزان، بصری اعتماد قبول می‌کنند. چه خوب بود که هر کس قدر و اندازه خویش را می‌دانست و با اینکه لاقلاً بر گفته‌ی خویش قید «ان و انما» نمی‌آورد. همین جا بگویم که این نوشته تنها نظری است بر نظر دیگران و درعین حال خود، قابل بررسی است و نه بیش از آن.

هنر چیست؟

با وجود همه تأثیرگذاری‌های هنر و با وجود تلاش‌های پیگیر محققین - در سراسر تاریخ اندیشه و برای شناخت هنر - این پدیده هنوز تعریف نشده است. این خود از یک سو دلیل بر پیچیدگی هنر است و از سوی دیگر بر ضعف دانش. اما اشاره شد که همه بی‌تعریف ماندن از هنر؛ اهمیت، کاربرد، و

ویژگی‌های آن شناخته شده و بکار گرفته می‌شود.

در حال حاضر هر کسی به وجود هنر و اهمیت آن از تأثیری که خود و دیگران پذیرفته‌اند، پی می‌برد، و اصولاً پس از چنین تأثیرپذیری انسان در جهت بازشناسی عقلی و علمی پدیده‌ای برمی‌آید که در ضمیر ناخودآگاه آن را از پیش شناخته است. در اینجا قصد تعریف فوری هنر را نداریم و تلاش‌های ناموفق تمام اندیشمندان و هنرمندان، در جهت تعریف هنر، اگر چه از ادامه راه مایوسمان نمی‌کند؛ لیکن مایه عبرت‌مان می‌گردد. هر تلاش جدیدی چه با شتاب و چه بی‌شتاب، بدون بررسی دلایل عدم موفقیت در تعریف هنر. به همان سرنوشت دچار خواهد شد. در این مجال قبل از اینکه تعاریف موجود درباره هنر را به طرح و نقد کشیم، به ذکر دلایل اجمالی عدم موفقیت در تعریف چنین پدیده‌ای اشاره خواهیم کرد.

۱- از آنجا که هنر خود روحی است کلی که تجلی آن در روان خود آگاه مردم، پس از مطالعه و تأمل بر یکی از اشکال موسوم به هنر، ایجاد می‌شود؛ و به بیان دیگر مثل پدیده‌های مورد بررسی در علوم دقیقه، واقعیت ملموس و قابل مشاهده و اندازه‌گیری نداشته، تا موضوع شناخت علوم دقیقه قرار گیرد؛ لذا کلیه کسانی که سعی کرده‌اند با بررسی مصادیق هنر، به نوعی از هنر تعریفی علمی داشته باشند و به نتیجه نرسیده‌اند.

به همین دلیل تعریف از هنر را نباید عبارتی جامع و مانع و دقیق، از نوع تعاریفی که علوم دقیقه و تجربی از پدیده‌های تقریباً صد در صد علمی می‌دهند؛ دانست. اگر هر تعریفی را فرمولی بدانیم که پس از یک شناخت ممکن شده است؛ باید قبل شناخت معلوم شود که این پدیده با ابزار کدام شناخت قابل بررسی است. بهترین دلیل بر اینکه هنر پدیده‌ای است که با شناخت علمی قابل درک نیست همان است که تاکنون از شناخته شدن به دست ابزار علمی، فرار کرده است.

۲- دلیل دیگر در عدم موفقیت برای تعریف هنر از سوی محققین، به فقدان روحیه هنری آنان باز می‌گردد. هنر را نباید با آثار هنری یکی گرفت. اگر چه هر اثر هنری درصدی از هنر را در حد زیاد یا کم با خود دارد، ولی برای تعریف هنر باید درک صد درصدی از هنر، داشت. استعداد هنری، یعنی همان توانایی در امر تولید هنر، که خداوند در درون هنرمند به ودیعه گذاشته، همچون جزئی از کلیت وجود او از درون با معرفت حضوری (قابل شناسایی است. هر انسانی بر درون خود، از درون آگاهی دارد و از آنجا که استعداد هنری امری فطری است و نه اکتسابی) و این را دیگر تجربه ثابت کرده است (هنرمند با خود آگاهی همچنانکه درون خویش را بی‌واسطه می‌شناسد، از این به بعد نیز درکی از هنر خواهد داشت. این نوع از شناخت بی‌واسطه هنر، برای محققین ممکن نیست. لذا یکی از دلایل بدون

تعریف ماندن هنر را، در هنرمند نبودن محققین دانست. از آنجا که درک آن‌ها از هنر، حصولی است؛ نه تنها از درون خویش هنر را به عنوان یک هنرمند نمی‌شناسند، که از تأثیر هنر بر عموم مخاطبین آن نیز غافلند و تنها قادر به بررسی آثار هنری و تأثیری که احیاناً خود از هنر گرفته‌اند، می‌باشند.

۳- اما تلاش‌های هنرمندان نیز در تعریف هنر، با همه بی‌واسطگی درک آنها، یک بعدی بوده است. چرا که هنرمندان اکثراً دارای یک نوع هنر بوده‌اند. در این رابطه به‌عنوان مثال نقاش، هنر نقاشی را که جلوه‌ای از جلوه‌های گوناگون هنر است، با کل هنر اشتباه می‌گیرد. از آنجا که هر یک از این جلوه‌های هنری، در عین داشتن ویژگی‌های کلی، ویژگی‌های خاصی نیز دارند؛ هنرمند را به اشتباه می‌اندازند. از باب نمونه تمام تعاریفی که به نوعی هنر را با زیبایی یکی انگاشته‌اند تا حدودی تحت تأثیر بررسی درونی و بیرونی نقاشی، به‌عنوان مصداق کامل هنر بوده است. هر هنرمندی اگرچه به‌خاطر داشتن استعداد هنری، از بعدی در تعریف هنر ذیحق است؛ اما از آنجا که مخاطب هنر نیست، و از آنجا که استعداد درک و بروز یکی از جلوه‌های هنری را داراست، به‌تنهایی قادر به ارائه تعریف جامع و مانع از هنر نیست.

تاکنون از ناکامی کسانی در تعریف هنر گفته‌ایم که با تلاششان در جهت تعریف علمی از هنر بوده است یا محققانی

غیر هنرمند بوده‌اند و یا هنرمندانی یک بعدی. در اینجا بد نیست به تأثیر ایدئولوژی‌ها در گوناگونی تعاریف موجود از هنر نیز اشاره‌ای داشته باشیم. وقتی پدیده‌ای از موضوع مورد مطالعه شناخت‌های علوم دقیقه خارج بود، دیگر چه موضوع علوم نظری یا انسانی قرار گیرد و چه موضوع شناخت‌های فلسفی یا نتیجه‌اش بسان نتایج علوم دقیقه، مورد اتفاق عموم مردم و صاحبان ایدئولوژی‌های گوناگون قرار نخواهد گرفت. هستی در عین حال ملموس و واقعی، که ما در آن زندگی می‌کنیم، به دلیل وسعت و پیچیدگی‌اش و ضعف شناخت علمی، تعاریف و تعبیر گوناگون دارد. در حالیکه این هستی واحدی است که همه ما در آن حیات مشترکی داریم. هنر نیز به عنوان پدیده‌ای که تحت تأثیر انسان است و انسان تحت تأثیر اوست، هیچگاه تعریف مورد اتفاقی نخواهد داشت؛ هر چند که همه انسان‌ها از آن تأثیر نسبتاً واحدی بگیرند. تمام تعاریف موجود از هنر، تحت تأثیر فلسفه کوشندگان و صاحبان تعاریف، رنگی خاص یافته است.

ما نیز چه در این نوشته و چه در مطالعات بعد، به تعریفی نخواهیم رسید که مشترک بین ما و بین صاحبان عقاید دیگر باشد. تنها و تنها سعی ما بر تعریفی از هنر و هنر اسلامی است که مورد اتفاق مسلمانان باشد و از دیدگاه اسلامی جامعیت و مانعیت خود را یافته باشد. در مجموع هر تلاشی برای تعریف

علمی هنر، از دیدگاه هر ایدئولوژی خاص، جداگانه تعریف شود: یا به خاطر موضوع غیرعلمی هنر، از دیدگاه هر ایدئولوژی خاص، جداگانه تعریف شود.

۲- از منظر هنرمندان (و نه هنرمند) مخاطبین هنر و نیز بررسی مجموع آثار هنری در تاریخ، برآمده باشد. در آنجا که ما هنر را به طور اعم بررسی و جلوه‌ها و ویژگی‌های اسلامی هنر را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ از منظر اسلام به این پدیده می‌نگریم. به عنوان مثال چه بسا آنجا که ما از هنر بحث می‌کنیم خواه قید اسلامی بودن را، به همراه داشته باشد. خواه نداشته باشد؛ جلوه‌ای صحیح یا ناصحیح از حقیقت مطلق را منظور داریم؛ اما از دیدگاه یک مارکسیست، حتی هنر غیر مارکسیستی نیز، به نوعی انعکاس واقعیت نسبی است. پس، از ابتدا همان را مشخص می‌کنیم و اعلام می‌داریم که هر تلاش جدیدی برای تعریف از هنر، از دیدگاه کلی غیرممکن است؛ و هر ایدئولوژی و فلسفه‌ای هنر را از دیدگاه خود تعریف خواهد کرد. این اشکال می‌ماند که پس کدام تعریف صحیح خواهد بود؟ جواب به وضوح روشن است. آن تعریفی که در عین حال از ایدئولوژی و فلسفه حق و صحیح برآمده باشد و بحث حقانیت ایدئولوژی‌ها جای دیگری دارد. تعاریف موجود از هنر: به همان دلیل گفته شده، بی‌دلیل نیست که تعاریف متعدد و بی‌شماری از هنر موجود باشد. بسیاری از این تعاریف، عبارت‌پردازی‌های بی‌ربطی

است که فریبنده است و هیچ تکیه‌گاه شناختی ندارد. بسیاری به جای تعریف هنر توصیف کیفی یکی از تأثیراتی است که هنر یا بعضی از هنرها، در انسان ایجاد می‌کند نیست تعدادی از این تعاریف را به‌عنوان نمونه ذکر کنیم: هنر فعالیتی است که در قلمروی حیوانیت، از احساس جنسی و تمایل به بازی پدید آمده است. (تعریف شیلر - داروین). و همراه با تهییج لذت بخش انرژی عصبی است. (تعریف گرانت آلن)

و یا هنر، تجلی خارجی احساسات نیرومندی است که انسان آن‌ها را تجربه و آزمایش کرده است. این تجلی ظاهری به وسیله، خطاها، رنگ‌ها، حرکات و اشارات، اصوات و کلمات، صورت می‌پذیرد (تعریف ورون). هنر، به وجود آوردن موضوعی ثابت یا علمی ناپایدار است که نه تنها قابلیت فراهم ساختن لذت مؤثر را، برای به وجود آورنده دارد؛ بلکه تأثیر لذت بخش را قطع نظر از هر گونه سود شخصی که از آن به دست آید، به گروهی بیننده یا شنونده انتقال می‌دهد. هنر آنگاه آغاز می‌گردد که انسانی، با قصد انتقال احساسی که خود آن را تجربه کرده است، آن احساس را در خویشتن برانگیزد و به یاری علائم معروف و شناخته شده ظاهری، بیانش کند. (تولستوی)

هنر زیباترین ارائه صراط مستقیم است.

هنر بیان زیبایی حقایق است.

هنر شناخت زیبایی شناسانه واقعیت است.

گروهی نیز در منشأ هنرها نظراتی را مطرح کرده‌اند که به تعاریف دیگری منجر شده است:

«هنر برای تزیین و جلب نظر دیگران پدید می‌آیند.»

(نظریه مارشال)

«هنرها از اتحاد شور خودنمایی زاده می‌شوند»

(نظریه بالدوین)

«هنرها معلول تلطیف غریزه حیوانی سازندگی هستند.»

(نظریه الکساندر)

«هنرها از عقده‌های جنسی سرچشمه می‌گیرند»

(نظریه فروید)

«هنرها از تلطیف محرکات فطری مختلف، تحقق می‌یابند»

(نظریه مک دو گال)

«هنرها در آغاز برای رفع حوائج زندگی عملی لزوم یافتند»

(نظریه هیرن)

(هنرها در تحلیل نهایی زاینده نیاز اقتصادی انسان هستند)

تحلیل در نهایت اقتصادی مارکسیست‌ها از هنر، به دلیل

پرت بودن بیش از حد اگرچه قابلیت بررسی هم ندارد، اما به

مجال دیگری موکول می‌شود. تعاریف دیگر نیز بعضی شخصی

و بعضی در مقاطعی از تاریخ اندیشه و هنر، پیروانی داشته و

دارد؛ اما از همه معروف‌تر نظریه هنر مبتنی بر زیبایی است که

متاسفانه این نیز در تعریف هنر اسلامی به اشتباه وارد شده

است. مهم‌ترین نظریه هنری دیگر، تعریف تولستوی از هنر است که پس از نقد اصولی و متقن زیبایی، به عنوان شالوده هنر به دست آورده است. نظریه هنر به عنوان مؤثرترین وسیله و نوع بیان نیز سطحی‌ترین و تقریباً عام‌ترین نظری است که در برخورد اول، همه ساده‌اندیشان هنرشناس نما، از آن ارائه داده‌اند.

از آنجا که مسلمانان از این سه تعریف، بیش از همه در تعریف هنر و هنر اسلامی استفاده می‌کنند، و همواره سعی دارند از هنر اسلامی مانند تعزیه و یا نمایش وسیله‌ای برای فهماندن مفاهیم و جریانات اسلام به مسلمانان استفاده کنند بعنوان نمونه نمایشنامه‌ای روز واقعه اثر اینجانب می‌تواند این مهم را ثابت کند که ما می‌توانیم هنرها را در خدمت اسلام و مبانی آن قرار دهیم به امید موفقیت اسلام در سراسر جهان و ازاد سازی قدس عزیز از چنگال صهیونیست‌های غاصب به یاری و مدد اقا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَجَهُ الشَّرِيفُ.

انشاءالله تعالی

صحنه یک

مکان: کلاس درس: که دانش آموزان به ترتیب

پشت صندلی‌هایشان نشسته‌اند.

رضا: بچه‌ها ده روز مانده تا روز عاشورا به نظر شما ما چطوری می‌تونیم عزاداری کنیم.

مهدی: می‌تونیم تو حسینیه محله تکیه‌ای برپا کنیم و عزاداری کنیم.

حسین: به نظر من بیاید متفاوت از دیگران عزاداری کنیم. محمد: یعنی چی چطوری متفاوت عزاداری کنیم مگه می‌شه. علی: شاید بشه باید خوب فکر کنیم چطوری می‌شه متفاوت عزاداری کنیم.

حسین: بچه‌ها من یه فکری دارم بیاید یه نمایشنامه اجرا کنیم و اینطوری عزاداری کنیم.

مهدی: آخه ما تا حالا نمایش بازی نکردیم و اطلاعاتی هم نداریم. حسین: من یکی رو می‌شناسم که توی دانشگاه هنر نمایش خونده از اون کمک می‌گیرم.

محمد: اینکه خیلی عالی می‌شه اگه یکی باشه مارو کارگردانی کنه خیلی خوبه.

مهدی: البته من پیشنهاد می‌کنم همه ما بریم درمورد واقعه عاشورا مطالعه کنیم تا با دید باز بتونیم توی نمایش بازی کنیم.

رضا: آره درسته مهدی راست می‌گه اگه آگاهی لازم رو درمورد روز واقعه داشته باشیم خیلی با حس و حال بهتری می‌تونیم اونو به مردم منتقل کنیم.

علی: پس بچه‌ها امروز که چهارشنبه است وعده همه ما روز شنبه با مطالعه خوب و یادداشت مطالب مفید درمورد روز واقعه عاشورا.

حسین: خوبه بچه‌ها پس ما با آمادگی بهتری روز شنبه می‌آیم مدرسه و من هم قول می‌دم موضوع رو به کارگردان آقای احمدی هم محله‌ام بگم و ازش کمک بگیرم.